



طاهره جعفری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

طلاق صوری از زاویه‌ای دیگر

در جامعه ما دو مسئله در آمد و نگاه اجتماعی همیشه شکل دهنده ازدواج‌ها و از عوامل اصلی طلاق بوده است. به عبارت دیگر، اقتصاد یا کسب درآمد و منزلت اجتماعی به‌وسیله ازدواج نه‌تنها امروز و در ازدواج و طلاق‌های مصلحتی که در طول تاریخ در ازدواج‌ها و طلاق‌های عادی نیز مورد توجه بوده است. همچنین در بُعد اجتماعی، افراد زیادی صرفاً به‌دلیل کسب حیثیت و منزلت اجتماعی و به‌دلیل فرار از نگاهی که جامعه به آن‌ها به‌عنوان مجرد دارد، از دواج می‌کنند. اما بحث ما در این یادداشت ازدواج‌ها و طلاق‌هایی است که هیچ دلیلی به جز این مصالح ندارد.

در شرایط اقتصادی موجود، متأسفانه افراد بدون توجه به اینکه آیا این حقوق واقعا حق آن‌هاست و آیا می‌توانند از حق بیمه‌ای که سایر افراد در مقابل کار کردن خود می‌پردازند، به این شکل استفاده کنند، دست به چنین اعمالی می‌زنند که البته پیامدهای غیرقابل جبرانی برای جامعه به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، از هم گسستن قانون خانواده به منظور استفاده از یک مزیت مالی، قابل تامل است. گاه اتفاق افتاده که بعد از طلاق صوری، رجوعی برای ازدواج دوباره صورت نگرفته و قانون خانواده از هم پاشیده است. علاوه بر پیامدهای خانوادگی، روانی و اجتماعی، با مالی بزرگی نیز بر سازمان‌های بیمه‌گر وارد می‌شود. در قبح این رفتارها تردیدی نیست، اما اغلب، به‌دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی، افراد جامعه به‌دنبال آسان‌ترین راه‌حل‌ها می‌گردند و متأسفانه فقدان فرهنگ‌سازی و آگاهی درباره اهمیت ازدواج و تداوم آن در افراد نیز مزید بر علت می‌شود، بنابراین باید نوع نگاه جامعه نسبت به این مسئله تغییر کند و افراد به این پینش برسند که همان گونه که برخی افراد به راه‌هایی مثل دزدی و کلاهبرداری و... برای کسب درآمد متوسل می‌شوند در این ازدواج‌ها و طلاق‌ها نیز نوعی کلاهبرداری وجود دارد؛ کلاهبرداری اجتماعی و اقتصادی.

در راستای این مهم نیز نباید تمام بار مسئولیت را به دوش جامعه انداخت، بلکه مسئولان و سازمان‌ها نیز باید توجه بیشتری به تامین نیازهای مردم داشته باشند. درواقع، کسانی که مجبور به چنین اقداماتی می‌شوند، به‌نوعی قربانیان اقتصادی هستند که در صورت توجه کافی و وجود شرایط اولیه زندگی، مجبور نخواهند بود تن به این ازدواج‌ها و طلاق‌های مالی بدهند. گرچه به‌طور قطع، در جامعه، افرادی وجود دارند که به حقوق خود قانع نیستند.

امید می‌رود با بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت مردم و نیز رشد آگاهی و دانش در جامعه، دیگر شاهد این نوع ازدواج‌ها و طلاق‌های صوری و مصلحتی نباشیم و خانواده به‌عنوان یک نهاد پایه‌ای و سازنده، از این گونه آسیب‌ها به‌دور باشد.

خانه‌هایی روی آب

پیامدهای «طلاق صوری و ازدواج مصلحتی» در گفت و گو با سید هادی معتمدی آسیب‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی



مدتی است آمار طلاق صوری با هدف در یافت مستمری والدین فوت‌شده، در جامعه ایران افزایش یافته‌است، مشابه همان اتفاقی که پیش از این برای معافیت سربازی پسران باب شده بود. این نوع از طلاق توافقی در خانواده‌های ایرانی تحت‌عنوان طلاق تامین اجتماعی و با هدف بهره‌مندی زوجه از امتیاز مستمری والدین رایج شده‌است، در حالی که عملاً زندگی زوجین در قالب رجوع شرعی غیر رسمی یا به‌عبارتی صیغه ۹۹ ساله استمرار می‌یابد. به این پدیده که به آسیب و معضلی برای تامین اجتماعی تبدیل شده‌است، باید از دواج‌های مصلحتی را نیز افزود که طی آن، برخی زنان به عقد مستمری‌گیرانی که سن بسیار بالایی دارند، درمی‌آیند تا پس از فوت آن فرد، موفق به دریافت مستمری از سازمان تامین اجتماعی شوند. پدیده‌هایی که به‌زعم سید هادی معتمدی، روان‌پزشک، آسیب‌شناس اجتماعی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، لاجرم مشکلات و آسیب‌هایی برای جامعه، خانواده‌ها، به‌ویژه بخشی از زنان به همراه می‌آورند و ضرورت بازنگری در قوانین موجود را بیش از پیش مطرح می‌کنند. او معتقد است، در این طلاق‌ها و ازدواج‌های صوری، صرف‌نظر از مسائل شرعی و اقتصادی، نوعی از هم‌گسیختگی خانوادگی مستتر است و تأکید می‌کند که این دسته از افراد، امنیت و سلامت اجتماعی را کاهش می‌دهند. معتمدی همچنین، ابراز امیدواری می‌کند که با جدی گرفتن بحث اشتغال برای زنان و افزایش مشارکت اجتماعی و استفاده از آن‌جی‌وها و آموزش به‌عنوان کلید طلایی، بتوان تسهیلات و امکاناتی برای زنان و دختران جامعه فراهم کرد تا به رفع این مشکل در جامعه کمک کند و مسائل مالی و اقتصادی مانع بالندگی و رشد زنان و دختران جامعه ایران نشود.

گفت‌وگو
دور زن قانون تحت عنوان طلاق صوری یا ازدواج مصلحتی، تا چه اندازه می‌تواند مانع حمایت از افرادی باشد که واقعا محق دریافت چنین حمایت‌هایی هستند؟ با توجه به اینکه این عمل از نظر اخلاقی و شرعی نیز مذموم است، زیرا این منابع متعلق به دولت نیست که بتوان به‌نوعی بهره‌مندی از آن‌ها به هر شکلی را مثلاً تبعیض مثبت برای زنان دانست. حتی خود دولت هم به کارگران بدهکار است و درواقع، این مستمری‌ها از جیب کارگرانی پرداخت می‌شود که حق بیمه پرداخت می‌کنند و این گونه پرداختی‌ها بخشی از منابع آن‌ها را می‌بلعد.

شما بحث کارگران را عنوان کردید، اما در طلاق‌های صوری و ازدواج‌های مصلحتی که به هر دلیلی انجام شوند، قطعا مدیون شدن به بیت‌المال مطرح می‌شود و این دین همیشه بر گردن آن‌هاست، چراکه بعد از فوت والدین یا همسر، پولی را دریافت می‌کنند که درواقع متعلق به آن‌ها نیست.

یک مرد ۸۰ ساله اگر همسری ۷۰ ساله داشته باشد پس از فوت او، اغلب ۱۰ یا ۲۰ سال دیگر مستمری او به همسرش تعلق می‌گیرد یا دختری که ازدواج نکرده طبق قانون بلامانع است و می‌تواند مستمری والدین خود را دریافت کند، اما وقتی که فرد به‌عنوان یک نیروی جوان، طلاق می‌گیرد و به‌صورت صیغه ۹۹ ساله مجدداً با همسر خود ازدواج می‌کند یا اینکه دختر جوانی به عقد فرد مسنی درمی‌آید، از نظر شرعی این اشکال را دارد که پولی که تامین اجتماعی باید به‌طور مثال، تا ۱۰ سال پرداخت کند به اجبار باید تا ۵۰ یا ۷۰ سال دیگر هم پرداخت کند آن هم برای کاری که انجام نشده است. چون کاری در قبال این پول انجام نشده چنین دریافتی از ریشه حرام تلقی می‌شود. درواقع، زن جوانی که شوهر دارد و در حالی که همسرش در قید حیات است و از درآمدهای زندگی او استفاده می‌کند، تحت پوشش والدین خود هم قرار می‌گیرد قطعاً کار او از نظر شرعی اشکال دارد و خود را مدیون بیت‌المال می‌کند.

به نظر شما این گونه رفتارها از سوی بخشی از زنان جامعه ریشه در چه مسائلی دارد؟
ریشه این اتفاق در این است که اولاً زن‌های

جامعه ما امنیت مالی و اقتصادی ندارند و از طرفی، حتی زنان خانه‌دار اگر مطلقه شوند هیچ‌گونه حمایت اجتماعی از آن‌ها صورت نمی‌گیرد، بنابراین دولت باید برای این افراد، یعنی قشر عظیمی از زنان جامعه که یا ازدواج نکرده‌اند یا درآمدهای پایینی دارند، برنامه‌ریزی مناسبی انجام دهد. بنده بارها در سال‌های گذشته، زمانی که مدیرکل بهزیستی بودم به این نکته اشاره کردم که زنان خانه‌دار باید بیمه شوند و بتوانند غیر از بحث بیمه همسر، از مزایای بیمه بازنشستگی و... استفاده کنند، زیرا ممکن است که اصلاً طلاق اتفاق بیفتد و این مزایا برای زوجه قطع شود یا زوج مجدداً ازدواج کند. اگر دولت برای زنانی که خانه‌دار هستند؛ چه آن‌هایی که همسر دارند و چه آن‌هایی که جدا شده‌اند، برنامه‌ریزی مناسبی انجام دهد دیگر شاهد این اتفاق نخواهیم بود که زنی از ترس آینده خود، دست به چنین کاری بزند.

طلاق‌های صوری و ازدواج زنان جوان با افراد مسن به این منظور، تا چه اندازه می‌تواند آسیب‌های اجتماعی را افزایش دهد و چقدر در بالا رفتن آمار طلاق تأثیرگذار است؟

به هر حال، ازدواج بین افراد جوان و افراد مسن چه زن باشند و چه مرد، به‌دلیل اختلاف دیدگاه نسبت به مسائل روز، توانایی‌ها و تقاضاهای ازدواج، مسائل خانوادگی، زناشویی، رفاهی، وجود فاصله نسلی، قدرت جنسی متفاوت و نکاتی از این دست، باعث می‌شود از روز اول این رابطه یک رابطه تصنعی متکی بر مسائل مالی باشد، بنابراین احتمال بروز خیانت در چنین ازدواج‌هایی به میزان بسیار زیادی وجود دارد و امکان کشیده شدن به روابط خارج از محیط خانوادگی بسیار بالاست. همچنین احساس تحقیری که در مرد نسبت به توانایی‌هایش به‌وجود می‌آید ممکن است به احساس بدبینی منجر شود و مردی که می‌تواند سالمندی خود را با آرامش سپری کند به استرس، اضطراب، افسردگی‌های متعدد و احساس تحقیر نفس، دچار شود که این موارد حتی می‌تواند در کاهش عمر فرد نیز مؤثر باشد، بنابراین صرف‌نظر از مسائل شرعی، اقتصادی و آسیب‌هایی که به ریشه اقتصاد و بیت‌المال وارد می‌شود، در این طلاق‌ها و ازدواج‌های صوری، به‌نوعی

از هم‌گسیختگی خانوادگی نیز مستتر است و چون این از هم‌گسیختگی از ابتدا وجود دارد اگر فرزندی هم در این میان به دنیا بیاید فاجعه‌های بزرگ‌تری اتفاق خواهد افتاد و باید منتظر آسیب‌های اجتماعی مثل خانواده‌های نابسمان، خروج زن یا مرد از دایره تعهدپذیری خانواده، ایجاد اضطراب، مشکلات جنسی و امثال آن‌ها باشیم. باید مراقب بود، زیرا این پدیده، هم می‌تواند میزان طلاق را تا حد زیادی افزایش دهد و هم ممکن است به خیانت، فحشا و امثال آن منجر شود.

این گونه رفتارها چه تأثیری بر تضعیف بنیان خانواده‌ها دارد؟
در واقع این دسته از افراد با این کار امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهند. امنیت اجتماعی و سلامت روحی و روانی جامعه چه متعلق به زنان باشد و چه متعلق به مردان، به هر حال، یکی از بنیان‌ها و شاخص‌های سلامت اجتماعی است. در واقع این افراد به‌عنوان کارگر با پرداخت درصدی، بیمه تامین اجتماعی شوند و زمان کمتری هم برای آن‌ها در نظر گرفته شود تا به‌طور مثال، بعد از ۲۰ سال بتوانند از مزایای بیمه تامین اجتماعی استفاده کنند. آن‌جی‌وها، نهادها و نگاه‌های تولیدی نیز می‌توانند در این زمینه فعال شوند و به‌نوعی از این جریان حمایت کنند. ما در کشور، ده‌ها خیر مدرسه‌ساز، بیمارستان‌ساز و خانواده‌ساز برای زلزله‌زدگان و... داریم، چرا خبرینی نداریم که به زنان بیوه، زنان خانه‌دار، دختران مجرد و... تحت پوشش تامین اجتماعی کمک کنند.

بنابراین سخن آخر اینکه امید می‌رود بحث اشتغال برای زنان جدی گرفته شود و با بحث افزایش مشارکت اجتماعی و استفاده از آن‌جی‌وها و آموزش به‌عنوان کلید طلایی، بتوان تسهیلات و امکاناتی را برای زنان و دختران جامعه فراهم کرد که این مشکل در جامعه حل شود و مسائل مالی و اقتصادی جلو بالندگی و رشد زنان و دختران ما را نگیرد.

چه راهکاری برای کاهش این پدیده و پیامدهای آن می‌توان ارائه داد، همچنین برای اینکه این گروه از زنان پیش‌تر به توانایی‌های خود متکی شوند و نقش اجتماعی‌شان را ایفا کنند و به حداقل‌هایی مانند مستمری گرفتن قانع نشوند؟

بهترین راهکار برای این پدیده یا پدیده‌هایی مشابه آن، ایجاد برابری جنسیتی است



عاطفه شمس

روزنامه‌نگار

تامین اجتماعی زنان با کنترل سخت

براساس ماده هشتاد قانون تامین اجتماعی، بازماندگان متوفی با احراز شرایط می‌توانند از مستمری بازماندگان بهره‌مند شوند. چگونگی نسبت، مانند همسر یا فرزند، پدر یا مادر بودن، سلامتی مانند توانمند یا معلول بودن (برای بازماندگان ذکور)، شرایط سنی (صغیر یا رشد یافته بودن)، در حال تحصیل یا ترک تحصیل کردن و از همه اصلی‌تر شرایط جنسی (پسر یا دختر) از مهم‌ترین مواردی هستند که باعث می‌شود، بازمانده دارای شرایط مستمری گرفتن تشخیص داده شود. مهم‌ترین شرط هم، شرط جنسی است به‌گونه‌ای که اکثریت قاطع مستمری‌گیران، زنان هستند. درواقع یکی از مهم‌ترین اهداف قانون‌گذار، حمایت از زنانی است که سرپرست خود را از دست داده‌اند. از آنجایی که مستمری مشمول قانون ارث نیز می‌شود، مستمری گرفتن با احراز شرایط تا نسل‌های بعدی نیز می‌تواند ادامه یابد. در سال‌های اخیر، برای حمایت بیشتر از زنان، قانونی وضع شد که براساس آن، زنان مطلقه‌ای که پدرشان حقوق می‌گرفتند، بعد از طلاق می‌توانند از مستمری پدر بهره‌مند شوند. اصل این قانون دارای کارکردهای مثبتی است. اما به‌دلیل شرایط اجتماعی زمینه‌ای و نظارت سهل‌گیرانه، در سال‌های اخیر تعداد قابل توجهی از افراد از این قانون سوءاستفاده کرده‌اند و با انجام طلاق‌های صوری یا ازدواج‌های مصلحتی، مستمری پدران یا شوهران متوفی خود را دریافت می‌کنند. گسترش این پدیده، موجب ایجاد آسیب‌هایی شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- پیدایش طلاق صوری که تقدس خانواده را زیر سوال می‌برد.
- افزایش هزینه‌های تامین اجتماعی
- عدم هدایت صحیح بودجه تامین اجتماعی برای مسائل ضروری‌تر. معمولاً این اتفاق در اقرارش پایین جامعه رخ می‌هد. به‌لحاظ جامعه‌شناسی پیشنهاد می‌شود برای کنترل این پدیده، کنترل سخت اعمال شود. کنترل سخت، به‌مجموع قوانین مرتبطی گفته می‌شود که به‌دلیل خاصیت شبکه‌ای بودن باعث می‌شود که کج‌روی، انحراف یا جرم مشخص شود. به‌عنوان مثال، در ایران، سربازی مشمول کنترل سخت است، زیرا مردی که تکلیف سربازی را مشخص نکند دارای شرایط استخدام و ادامه تحصیل، اخذ جواز کسب، اخذ گواهینامه رانندگی، عضویت در تیم‌های ورزشی و اخذ گذرنامه نیست. به‌دلیل این کنترل سخت‌گیرانه و شبکه‌ای است که فرد مشمول، مجبور می‌شود تکلیف دوره خدمت سربازی را مشخص کند.

در مورد دریافت غیرقانونی مستمری با استفاده از حربه طلاق صوری نیز باید یکسری قوانین سخت‌گیرانه، مشابه قوانین سربازی وضع شود. این قوانین سخت‌گیرانه دارای ابعاد و مراحل مختلفی است که ضروری است مسئولان و قانون‌گذاران برای اتخاذ بهینه آن، واقعیت‌های اجتماعی را در نظر بگیرند. بنابراین یک رویکرد چندرشته‌ای با استفاده از نظرات مدیران، جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان لازم است.

